



آبان ۹۸ و آبانی دیگر

در تاریخ هر ملتی رویدادهایی است که جاودانه می‌مانند و همواره با افتخار از آن‌ها یاد می‌شود. قیام آبان ماه سال ۱۳۹۸ یکی از برجسته‌ترین رویدادهای سیاسی و مبارزاتی توده‌های ستمدیده مردم ایران در طول ۴۳ سال حاکمیت یک رژیم ارتجاعی و ستمگر است که در وحشی‌گری و بی‌رحمی تنها نمونه‌ای را که در تاریخ یک صدسال اخیر جهان برای آن می‌توان سراغ گرفت، رژیم فاشیستی هیتلر در آلمان بود.

قیام آبان ماه ۹۸ انفجار خشم فروخته توده‌های زحمتکش و ستمدیده‌ای بود که زیر بار بی‌سابقه‌ترین ستم مادی و معنوی از اعماق جامعه برخاستند. در نخستین ذقابق روز جمعه ۲۴ آبان ماه جرقه قیامی زده شد که ۵ روز سراسر ایران را به آتش کشید. خشم انقلابی توده‌های ستمدیده، در یک قیام منفجر شد.

در ۲۴ آبان ماه درحالی‌که مردم ایران در خواب به سر می‌بردند، پاسداران نظم سرمایه‌داری با اعلام ناگهانی افزایش بهای بنزین به سه برابر، یکبار دیگر برای دزدی از جیب مردمی که زیرخط فقر به سر می‌برند، به جیب‌بری جدیدی روی آوردند. آن‌ها برای آن‌که هرگونه فرصت واکنش را از مردم سلب کرده باشند، تدارک لازم را برای این دزدی از هرجهت فراهم کرده بود. نه فقط نیمه‌شب را ساعت اجرای طرح خود اعلام کردند، بلکه روز آن را هم جمعه تعیین کرده بودند که هم‌جا تعطیل و مردم در محل کار و مراکز عمومی تجمعی نداشته باشند. آن‌ها نیروی مسلح خود را نیز در آمادباش قرار داده بودند. اما دزدان نیمه‌شب غافل از آن بودند که حتی بورش شبانه به سطح معیشت مردم نیز مانع از

در صفحه ۲

پائیز سبز

فعال سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور

در صفحه ۹

از فراخوان شورای هماهنگی
و اعتصاب سراسری
معلمان حمایت کنیم

در صفحه ۸

نه به اعدام

با همه نیرو علیه اعدام و برای آزادی زندانیان پیا خیزیم

در قالب قیام و خیزش و نبردهای خیابانی سراسر ایران را فرا گرفته است. نبردی بی‌امان که از ۲۶ شهریور ۱۴۰۱، روز خاکسپاری مهسا (ژینا) امینی شروع شد، در چهلمین روز یادمان ژینا قد بر کشید و در روزهای ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ آبان، در سومین سالگرد یادمان ۱۵۰۰ کشته آبان ۹۸، برگ زرین و ماندگاری از روند و شکل گیری یک انقلاب بزرگ را در جامعه پر تلاطم

در صفحه ۴

دو ماه است که توده‌های مردم ایران با شجاعی کم نظیر برای پایان دادن به ۴۳ سال سرکوب و کشتار و جنایت نظام ارتجاعی حاکم بر ایران خیز برداشته‌اند. در این مدت توده‌های سرکوب شده مردم ایران در رزمی مشترک و در نبردی حماسه ساز مقابل آدمکشان جمهوری اسلامی صف آرایی کرده‌اند. آنچه اکنون در جامعه پر تلاطم و انقلابی ما جاریست، تداوم خیزش دیمه ۹۶ و قیام آبان ۹۸ است که این چنین سلحشورانه

گام‌های استوار نوب‌آهن و تکثیر تک جوش‌های اعتصاب



روزهای ۲۴ و ۲۵ آبان، همزمان با خیزش‌های شهری و اعتراضات گسترده و سراسری توده‌ای که فراخوان آن از قبل اعلام شده بود، یک اتفاق ویژه کارگری نیز رخ داد. روز سه‌شنبه ۲۴ آبان کارگران بخش‌های مختلف شرکت نوب‌آهن اصفهان، مطابق فراخوانی که از قبل اعلام کرده بودند، در اعتراض به عدم رسیدگی به خواست‌های خود، به‌طور یکپارچه دست از کار کشیدند و در محوطه شرکت به راهپیمایی اعتراضی پرداختند. کارگران نوب‌آهن اصفهان

در صفحه ۶

امپریالیسم غرب و جمهوری اسلامی

در صفحه ۱۲

با حمایت همه جانبه از خیزش انقلابی مردم در شهرهای کردستان، سنگر انقلاب برای آزادی و برابری را مستحکم تر کنیم

۳

آبان ادامه دارد: پیش‌روی شورانگیز خیزش انقلابی

۷

گزارش کوتاهی از آکسیون اعتراضی نیروهای چپ و کمونیست در کپنهاک - دانمارک

۵

اجتماع نیروهای کمونیست و چپ در استکهلم سوئد

۵

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

آبان ۹۸ و آبان دیگر

بیداری آن‌ها نخواهد شد. توده‌های زحمتکش مردم از همان نخستین دقایق اعلام گرانی به خیابان‌ها ریختند و به اعتراض برخاستند. نخستین تظاهرات بزرگ توده‌ای از خوزستان آغاز شد. مردم اهواز از همان لحظات اولیه اعلام خیر روز جمعه ۲۴ آبان، تجمعات اعتراضی گسترده‌ای را در مخالفت با گرانی بنزین برپا کردند. این اعتراضات به سرعت به سایر شهرهای استان از جمله امیدیه، بهبهان و ماهشهر و سپس به دیگر شهرها و استان‌های کشور بسط یافت و با سرعت شگفت‌آوری سراسر ایران را فراگرفت. در طول ۵ روزی که قیام ادامه داشت، توده‌های مردم در ۲۸ استان و بیش از ۱۳۰ شهر کشور برای سرنگونی رژیم ستمگر حاکم به قیامی سراسری روی آوردند. اما فقط این نبود که در هر شهری یک یا چند نقطه عرصه نبرد حماسی مردم با نیروهای نظامی رژیم باشد. در بسیاری از شهرها، توده‌های مردم در چندین منطقه در هر شهر تظاهرات و سنگربندی کردند و با نیروهای سرکوب درگیر شدند. ذوالنور رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ارتجاع اعتراف کرد که "فقط در روز شنبه ۲۵ آبان در ۱۴۷ نقطه در تهران و بیش از ۷۰۰ نقطه در سراسر کشور درگیری وجود داشته است".

این توده‌ای که در ابعادی میلیونی از درون حاشیه شهرها، محله‌ها و مناطق کارگر نشین به حرکت درآمده بود، از جنس همان شورشیان دی‌ماه ۹۶، کارگران و زحمتکشان، توده‌های تهیدست شهرها، بیکاران، زنان و جوانانی بودند که رژیم ستمگر حاکم بر ایران با استبداد و بی حقوقی، فقر و تبعیض، کشتار و وحشی‌گری، سال‌ها آن‌ها را در اسارت نگاهداشته بود. وزیر کشور رژیم بعداً اعتراف کرد که تظاهرات و سنگربندی‌های خیابانی علاوه بر شهرهای بزرگ "بیش از ۵۰ درصد در مناطق حاشیه‌ای شهرهای بزرگ بود".

قیام‌کنندگان بی‌درنگ با سنگربندی و تظاهرات توده‌ای، بستن خیابان‌ها و جاده‌ها، به مقابله با نیروهای مزدور سرکوب برخاستند. به مراکز و نمادهای قدرت سیاسی و اقتصادی رژیم، مراکز بسیج، حوزه‌های علمیه، دفاتر امام‌جمعه‌ها، بانک‌ها، کلانتری‌ها، فرمانداری‌ها و پمپ‌های بنزین یورش بردند و آن‌ها را به آتش کشیده شدند. به اعتراف وزیر کشور رژیم بیش از ۵۰ پایگاه و پاسگاه نظامی و انتظامی، ۲۳۱ بانک، ۹ مرکز مذهبی، ۷۰ پمپ‌بنزین و ۱۸۳ خودرو نظامی و انتظامی موردحمله قرار گرفتند. این تعرض گسترده، نمایشی بزرگ از روحیه اعتراضی قیام‌کنندگان و نشان از عزم و اراده آن‌ها برای تعیین تکلیف با رژیم حاکم داشت. در این لحظه برای توده‌های قیام‌کننده مسئله این بود:

مرگ با پیروزی. آن‌ها حرفشان، عملشان بود. سرنگونی نظم ستمگرانه حاکم بر ایران. این‌که توده‌های مردم قیام‌کننده در پاسخ به وحشی‌گری نیروهای سرکوب، مراکز و ارگان‌های نظامی، دستگاه فریب و تحمیق مذهبی و بانک‌های سرمایه‌داران را موردحمله قرار دادند و مراکز نظامی، حوزه‌های علمیه و بانک‌ها را به آتش کشیدند ناشی از آگاهی قیام‌کنندگان و هدفدار بودن این قیام بود. این تعرض، بازتاب خصلت ضد سرمایه‌داری، ضد استبدادی و ضد دولت دینی بود که در شعارها نیز انعکاس یافت.

یکی از ویژگی‌های برجسته این قیام حضور گسترده زنان و نقش آن‌ها در تهییج و برانگیختن مبارزان به تعرض و در پاره‌ای موارد رهبری مبارزات بود. این نقش چنان برجسته بود که ارتجاع حاکم را نیز حیرت‌زده کرد و سران دستگاه سرکوب از "میدان‌داری" زنان در بسیاری از مناطق و شهرها سخن گفتند.

قیام برای سرنگونی نظامی که توده‌های وسیع مردم ایران را از ابتدایی‌ترین حق انسانی محروم کرده بود، قهرمانی، مقاومت و ازجان‌گذشتگی قیام‌کنندگان، برای طبقه حاکم چنان هراسناک بود که خامنه‌ای این سربسته ستمگران و جلاان، فرمان بی‌رحمانه‌ترین سرکوب را صادر کرد. او ضمن حمایت از راهزنی سرمایه‌داران برای افزایش بهای بنزین، میلیون‌ها تن از مردم ستمدیده را اشرار نامید و از "مسئولین حفظ امنیت کشور" خواست "به وظایفشان عمل کنند." کشتاری هولناک در سراسر کشور رخ داد. ۱۵۰۰ تن از مردم قهرمان ایران قتل‌عام شدند. صدها تن زخمی و مصدوم و متجاوز از ده‌هزار تن بازداشت و در دادگاه‌های فرمایشی به حبس‌های سنگین و اعدام محکوم شدند.

با این‌وجود، قیام‌کنندگان به مدت پنج روز با از خودگذشتگی و قهرمانی کم‌نظیر در برابر وحشی‌گری سگ‌های هار پاسدار حکومت اسلامی و نظم سرمایه‌داری ایستادند و جنگیدند. عظمت این حماسه‌آفرینی توده‌های مردم ایران چنان بزرگ بود که پس از سرکوب قیام، فرمانده مزدور عملیات بسیج رژیم گفت: "جنگ جهانی تمام‌عیاری علیه نظام بود... پدیده عجیب و جدیدی بود که یک‌دفعه کل کشور را فراگرفت... قبلاً فتنه دیده بودیم اما این فتنه، فتنه دیگری بود. به‌عنوان کسی که در صحنه بودم معتقدم فقط خدا ما را نجات داد."

آخرین سنگر حماسه‌آفرینان قیام آبان ۹۸ روز سه‌شنبه ۲۹ آبان ماه با یورش واحدهایی از تیپ ویژه تکاوران سپاه خوزستان به ماهشهر که مجهز به سلاح‌های سنگین، مسلسل، تانک، نفربر بودند و بالگردها نیز آن‌ها را پشتیبانی می‌کردند، برچیده شد. دشمنان مردم ایران در شهر چمران (جراحی) کشتار هولناکی به راه انداختند و با عقب‌نشینی مبارزان به درون نیزارهای شهرک جراحی، ده‌ها تن را با توپ و تانک و مسلسل قتل‌عام کردند.

قیام سرکوب شد، اما این نه به معنای پایان مبارزه برای سرنگونی رژیم بود و نه نجات طبقه حاکم از بحرانی که در آن قرار دارد. برعکس، همان‌گونه که سازمان ما همان ایام در نشریه کار اعلام کرد، با این قیام جامعه ایران وارد مرحله جدی‌تر و عمیق‌تری از بحران سیاسی فراگیر شده است. نشریه کار نوشت: "اگر این جنبش در لحظه کنونی هم نتواند از این مرحله فراتر رود، تا همین‌جا، یک پیروزی بزرگ برای مردمی است که در مقابل زورگویی و باج‌خواهی یک رژیم ستمگر، دزد و جیببر، قد برافراشتند، قهرمانانه جنگیدند و راه را بر مبارزات عالی‌تر آتی هموارتر کردند."

سازمان ما پیش‌از این با مبارزاتی که در دی‌ماه سال ۹۶ آغاز شد اعلام کرده بود که با پیدایش یک بحران سیاسی انقلابی در جامعه ایران، دوران جدیدی در حیات سیاسی مردم ایران آغاز شده است. دوران رکود سیاسی که مردم به نظم موجود تمکین می‌کردند به پایان رسید و یک دوران انقلابی برای دگرگونی نظم حاکم فرارسیده است. اکنون از رویداد بزرگ قیام آبان ماه در مقاله "قیام آبان ماه و پیدایش موقعیت انقلابی" در آذرماه همان سال، این نتیجه سیاسی را گرفت که: "قیام آبان ماه یک نقطه عطف و تحولی کیفی در روند تحول اوضاع سیاسی جامعه ایران و بحران سیاسی در طول نزدیک به دو سالی است که بر طبق ادبیات سیاسی سازمان ما، دوران انقلابی نام‌گرفته است. این بحران اکنون به درجه‌ای ژرفا و وسعت یافته که نشان می‌دهد، ادامه زندگی به روال گذشته برای مردم ناممکن شده است. توده‌های مردم ایران دیگر نمی‌توانند به شیوه گذشته زندگی کنند و طبقه حاکم نیز نمی‌تواند به شیوه گذشته بر مردم حکومت کند.

وقتی که بحران سیاسی ژرف و سراسری در جامعه‌ای شکل‌گرفته باشد، طبقه حاکم غرق در بحران، دیگر نتواند به شیوه گذشته بر مردم فرمانروائی و حکومت کند، نتواند با اصلاحات، سیستم دولتی را نجات دهد، وقتی که میلیون‌ها تن از مردم در یک دوران انقلابی در اشکال متعددی از مبارزه علنی و مستقیم به مبارزه علیه نظم حاکم برخاسته باشند و توده‌های کارگر و زحمتکش و ستمدیده به ناممکن بودن ادامه زندگی به شیوه گذشته رسیده باشند، هیچ دلیل دیگری روشن‌تر از این‌که صدها هزار تن از مردم آماده جان‌فشانی به قیام برخاسته‌اند، نمی‌تواند اثبات کند که در این جامعه یک موقعیت انقلابی شکل‌گرفته است.

هیچ راهی برای نجات جمهوری اسلامی از بحران‌های متعددی که احاطه‌اش کرده‌اند و بن‌بستی که در آن گرفتار شده، وجود ندارد. تنها کاری که هنوز از دستش ساخته است، کشتار بی‌رحمانه مردم است و در آبان ماه، وحشیانه‌تر از گذشته مردم را کشتار کرد. اما این کشتار، رژیم را نجات نخواهد داد، همان‌گونه که سرکوب‌ها و کشتارهای پیشین کارساز نبوده است. با این قیام و دریایی از خون که میان

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

آبان ۹۸ و آبنای دیگر

توده‌های مردم و طبقه حاکم فاصله انداخته است، می‌توان گفت بحران سیاسی به آن درجه از ژرفا و بلوغ رسیده است که تمام شرایط عینی برای یک انقلاب یا دقیق‌تر موقعیت انقلابی را فراهم ساخته است.

قیام آبان ماه نشانی از این واقعیت است که به‌زودی اشکال عالی‌تری از مبارزات توده‌ای در ابعادی وسیع‌تر رخ خواهد داد. آنچه در طول سه سال گذشته رخ داد، اثبات همین واقعیت بود. بیماری مرگبار کرونا نیز نتوانست تغییری در این روند جهت تحول اوضاع سیاسی بدهد و جز یک وقفه کوتاه در مبارزات پدید نیاورد. تظاهرات در شهرهای مختلف و اعتصابات کارگران، معلمان، بازنشستگان در دو سال گذشته، مبارزات پیگیرانه و وقفه‌ناپذیر خانواده‌های دادخواه به‌ویژه جان‌باختگان قیام ۹۸ ادامه همین روند مبارزه برای سرنگونی نظم حاکم بود که می‌بایستی بار دیگر به یک جنبش توده‌ای بزرگ سراسری بیانجامد.

در یک موقعیت انقلابی از هر جرقه‌ای می‌تواند حریق سیاسی بزرگی برپا می‌گردد و هر رویداد ولو کوچکی به یک رویداد سیاسی بزرگ تبدیل شود. بنابراین جامعه ما صرفاً نیاز به یک جرقه دیگر داشت. این جرقه با قتل مهسا امینی توسط مزدوران گشت ارشاد زده شد و بار دیگر خشم انقلابی توده‌های مردم در یک جنبش بزرگ سراسری منفجر شد و به یک جنبش گسترده آشکارا سرنگونی طلب در سراسر ایران شکل داد که هم‌اکنون ابعادی میلیونی به خود گرفته و بیش از دو ماه به‌رغم تمام وحشی‌گری و سرکوب رژیم دهنش جمهوری اسلامی، ادامه یافته است. این جنبش که از ۲۶ شهریور با تظاهرات توده‌ای مراسم خاکسپاری مهسا در سقز و فراخوان اعتصاب احزاب کرد آغاز گردید، به‌سرعت با موجی از اعتصابات در دانشگاه‌ها، تعطیلی مدارس، تظاهرات توده‌ای، سنگربندی و نبردهای خیابانی، حمله به تعدادی از مراکز بسیج و مذهبی، به دور افکندن حجاب اجباری و به آتش کشیدن آن توسط زنانی که در بسیاری از این اعتراضات نیروی اصلی و حتی رهبری کننده را برعهده گرفته‌اند، اعتصابات کارگری و اخیراً اعتصاب کسبه، سراسر کشور را فراگرفت. در ۴ آبان بی سابقه‌ترین و گسترده‌ترین جنبش اعتراضی علیه جمهوری اسلامی شکل گرفت. پیوستن برخی از گروه‌های اجتماعی حرفه‌ای از نمونه وکلای دادگستری، پزشکان، روزنامه‌نگاران، هنرمندان و هنرپیشگان و حتی ورزشکاران به این جنبش و حمایت از آن، نشان‌دهنده ابعاد این جنبش و بحران بسیار بزرگی است که رژیم با آن مواجه شده است. این جنبش در طول این دو ماه، نمونه‌های درخشانی از قهرمانی و فداکاری، استقامت و پایداری زنان، جوانان، دانشجویان، دانش‌آموزان و توده‌های زحمتکش مردم را در سراسر ایران به همگان نشان داده است. بر طبق آخرین گزارش‌ها، تاکنون لافاقل مردم ۱۵۰ شهر و دست‌کم ۱۴۰ دانشگاه در این جنبش بزرگ



شورای همکاری

نیروهای چپ و کمونیست

با حمایت همه جانبه از خیزش انقلابی مردم در شهرهای کردستان، سنگر انقلاب برای آزادی و برابری را مستحکم‌تر کنیم

دستگاه سرکوب رژیم مستاصل جمهوری اسلامی شهر مهاباد را در محاصره آتش گلوله و شلیک به مردم مبارز قرار داده است. سپاه پاسداران از شهرهای مختلف به مهاباد اعزام شده‌اند و می‌خواهند با ایجاد حمام خون در این شهر، مقاومت و مبارزه سلحشورانه‌ای که در شهرهای مختلف کردستان پی گیرانه ادامه داشته است، در هم بکشند.

در دو ماه گذشته کردستان به یکی از سنگرهای پیشروی انقلاب برای سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل شده است. با حمایت همه جانبه از خیزش انقلابی مردم در شهرهای کردستان سنگر انقلاب برای آزادی و برابری را مستحکم‌تر کنیم.

از مردم مبارز سراسر ایران، فعالین اعتراضات و کمیته‌ها و حلقه‌های مبارزین محلی که جنبش انقلابی در شهرهایی مختلف را تا کنون به پیش برده‌اند و از ستون‌های اصلی پیشروی جنبش انقلابی در سراسر شهرهای ایران بوده‌اند، از همه کارگران و معلمان در حال اعتصاب از دانشجویان از فعالین جنبش زنان و فرهنگ‌ورزان و همه انسان‌های شریف و آزادیخواه در سراسر ایران و جهان می‌خواهیم که مدافع مردم مهاباد و کردستان باشند و اجازه ندهند دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی به اهداف خود دست یابد.

با تلاش و همبستگی مبارزاتی خود می‌توانیم جنبش انقلابی را هرچه بیشتر به پیش برده و رژیم سرکوب و ترور شکنجه را به‌زیر بکشیم.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

29 آبان 1401/20.11.2022

وحشی و ضد انسانی در طول این دو ماه با تمام نیروهای سرکوبگر خود به جنگ مردمی برخاسته که با دست‌خالی به مبارزه ادامه داده‌اند. در نتیجه این وحشی‌گری نیروهای سرکوب، تاکنون متجاوز از ۴۰۰ تن از مردم به قتل رسیده‌اند و بیش از ۶۰ تن از جان‌باختگان کودک بوده‌اند. گروه کثیری نیز مصدوم شده‌اند. تعداد بازداشت‌شدگان اکنون از ۱۷ هزار تجاوز کرده است.

باین‌همه وحشی‌گری، جمهوری اسلامی راهی برای نجات از بحرانی که تمام موجودیتش را هدف قرار داده، ندارد. به‌رغم این‌که جنبش هنوز فاقد سازمان‌دهی سراسری و یک رهبری انقلابی است، اما این بحران عمیق‌تر از آن است که رژیم به‌سادگی بتواند با سرکوب‌های خود آن را مهار کند. این واقعیت را تجربه مبارزه قهرمانانه دو ماه گذشته مردم، ایستادگی، مقاومت و جان‌فشانی آن‌ها برای رسیدن به هدف، به‌خوبی نشان داده است. چشم‌انداز سرنگونی نظم حاکم و پیروزی توده‌های مردم ایران، بیش از هر زمان دیگر روشن است.

سراسری حضور یافته‌اند. شکل اصلی مبارزات تاکنون اعتصابات و تظاهرات توده‌ای و درگیری‌ها و نبردهای خیابانی بوده است. اما در برخی از شهرها و مناطق نظیر کردستان، این مبارزه هم‌اکنون به سطح یک قیام توده‌ای ارتقاء یافته و در چندین روز اخیر درگیری‌های حاد و گسترده‌ای در این منطقه در جریان بوده است. جدی‌ترین خبرها حاکی از گسیل نیروهای نظامی، از جمله واحدهای زرهی ارتجاع حاکم به چندین شهر در کردستان است.

اصلی‌ترین شعارهای جنبش تا به امروز، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای، "زن، زندگی، آزادی" "اخواند باید گم بشه"، مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر، "آزادی، آزادی" و آزادی زندانی سیاسی بوده است. تنها در موارد استثنائی شعارهای اثباتی نظیر شعار کار، نان، آزادی، حکومت شورایی در مهاباد سر داده شد، یا در سنج در جریان راهپیمایی روز جمعه ۲۶ آبان، پلاکارد "زنده‌باد آزادی- زنده‌باد سوسیالیسم" در بالای یک پل برافراشته شد.

رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران که در چنگال عمیق‌ترین بحران‌ها گرفتار است و در میان عموم مردم ایران از نظر سیاسی و اخلاقی به کلی رسوا و بی‌اعتبار شده، همچنان به تنها حربه‌ای که در اختیار دارد، نیروی نظامی سرکوب علیه مردم متوسل شده است. این رژیم



نه به اعدام

با همه نیرو علیه اعدام و برای آزادی زندانیان بپا خیزیم

ایران رقم زد.

دو ماه است که شعار "مرگ بر دیکتاتور" جای جای جامعه را فرا گرفته است. دو ماه است که شعار "زن، زندگی، آزادی"، "مرگ بر خامنه ای" آنچنان در جامعه تکثیر شده است که نه تنها به صورت روزانه در کف خیابان ها شنیده می شود، نه تنها در دانشگاه ها و مدارس و مترو به گوش می رسد، که اکنون در گستره ای وسیع حتی در حنجره کودکان نیز پژواک یافته است. دو ماه است که شعار "زن، زندگی، آزادی"، کوچه و خیابان را در نوردیده، به اندرون خانه ها راه یافته و در مشت های کوچک کودکان تکثیر می شود. در این دو ماه، دامنه شعله های فروزان قیام و مبارزات خیابانی توده های مردم ایران آن چنان ابعادی به خود گرفته که گستردگی آن تمام ارکان نظام را در وحشت از سقوط و سرنگونی فرو برده است.

نمایش این هراس و سردرگمی جمهوری اسلامی اکنون بیش از هر جایی در کف خیابان ها تجلی یافته است. تهاجم وحشیانه مزدوران آدمکش رژیم به مردم معترض، دستگیری بی محابای جوانان، و کشتار بی رحمانه کودکان و زنان و توده های بی دفاع در شهرهای مختلف کشور به عینه بیانگر هراس جمهوری اسلامی از گستردگی مبارزات خیابانی توده های مردم ایران است. این هراس در درون زندان ها نیز در پی ارباب و شکنجه و سرکوب زندانیان، محاکمات شتاب زده و صدور حکم اعدام برای دستگیرشدگان به روشنی مشهود است. تا جاییکه در هفته های اخیر، سرفونی اعدام از حلقوم کثیف همه دست اندرکاران رژیم شنیده می شود. در چنین فضایی که تشکیل دادگاه های فرمایشی و صدور حکم اعدام بر سر زندانیان و بازداشت شدگان سایه افکنده است، آنچه هنوز کم رنگ است و در کف خیابان ها کمتر شنیده می شود، همانا سر دادن شعار "نه به اعدام" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" است، که تا کنون به شعار عمومی مردم بپا خاسته ایران تبدیل نشده است.

در دو هفته اخیر، دستگاه قضایی رژیم، به هر بهانه ای بر طبل سرکوب و محاکمه بازداشت شدگان و صدور حکم اعدام برای دستگیرشدگان ماه های اخیر کوبیده است. روز ۱۵ آبان تعداد ۲۲۷ نماینده مجلس در اقدامی کثیف و بی شرمانه با "محارب" خواندن معترضان دو ماهه اخیر، از قصاب خانه قضایی جمهوری اسلامی خواستند تا حکم "قصاص" یعنی اعدام را برای آنان اجرا کند. سخنگوی قوه قضائیه نیز در ۱۷ آبان، با تهدید بر صدور احکام سنگین برای بازداشت شدگان، اعلام کرد صدور احکام دستگیرشدگان "باید باعث عبرت گیری و بازدارندگی" و "پشیمان کننده" برای دیگران باشد.

سرکوب و بازداشت و صدور احکام سنگین تمام جامعه را فرا گرفته است. بر پایه اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی، طی دو ماه گذشته دست کم ۴۰۰ نفر در کف خیابان ها کشته شده اند که ۵۷ نفر از آنان کودک هستند. از میان انبوه دستگیرشدگان نیز تاکنون ده ها نفر به بهانه "تخریب و اقدام علیه امنیت ملی کشور"، با اتهام "افساد فی الارض" مواجه بوده و حکم اعدام برایشان صادر شده که دست کم حکم یک نفر از آنان در تهران اجرا و تعداد دیگری هم به حبس های سنگین ۱۰ تا ۱۵ سال محکوم شده اند. آنچه در این میان قابل تامل است، شتابزدگی محاکمات فرمایشی دستگیرشدگان در دادگاه های سری و مخفی است، که بدون اعلام نام و هویت آنان در بیدادگاه های رژیم محاکمه و به اعدام و حبس های سنگین محکوم شده اند.

سرعت، سراسیمگی و شتابی را که این روزها جمهوری اسلامی در سرکوب و کشتار و صدور احکام اعدام پیش گرفته است، تماما ناشی از وحشت هیئت حاکمه از روند رو به رشد قیام و نبردهای خیابانی توده های مردم ایران است، که هر روز ابعاد وسیعتری یافته و لایه های بیشتری از جامعه را به جمع معترضان خیابانی کشانده است.

اینکه جمهوری اسلامی، رژیم کشتار و سرکوب و اعدام است، هیچ تردیدی در آن نیست. اینکه دستگاه قضایی رژیم طی ۴۳ سال گذشته بر بستر سکوت و بی خبری از زندان و زندانیان، سیاست کشتار و اعدام را پیش برده است، باز هم بر کسی پوشیده نیست. تجربه تاکنونی به همگان نشان داده است هرچه بی خبری از وضعیت زندان و زندانیان بیشتر باشد، هرچه خبر رسانی در مورد زندانیان کمتر صورت گیرد، به همان نسبت دست دستگاه قضایی در صدور حکم اعدام و کشتار زندانیان بازتر خواهد بود.

سرکوب و کشتاری را که جمهوری اسلامی در سال های ۶۰ تا ۶۷ انجام داد، جدای از ماهیت سرکوبگرانه رژیم، جدای از توهمی که در آن زمان بخش وسیعی از توده های مذهبی و ناآگاه مردم ایران به حاکمان اسلامی داشتند، اما آنچه هیئت حاکمه را در کشتار و صدور احکام اعدام های گسترده ترغیب می کرد، همانا شرایط محدود خبر رسانی آن دوران بود. فراموش نکنیم فضای تک صدایی مطلق که در آن زمان برای دستگاه تبلیغاتی رژیم فراهم بود، حاکمان اسلامی را بر آن می داشت تا در آن سکوت و بی خبری جاری در جامعه، هر آنچه را که می خواستند در زندان ها اجرا کنند. آنچه در آن سال های وحشت دهه ۶۰، رژیم را به چالش می گرفت، مقاومت زندانیان، پایداری خانواده ها و کورسویی هم در خارج از کشور بود که رژیم را از پیشروی بیشتر در سرکوب و کشتار باز می داشت. در واقع آنچه باید به آن توجه کرد، همانا سکوت و

بی خبری از زندان و زندانیان، و عدم حمایت از بازداشت شدگان است، که دست رژیم را در کشتار باز می گذارد. آنچه در تابستان ۶۷ بر سر زندانیان آمد و بیش از ۵ هزار زندانی سیاسی در کمتر از دو ماه قتل عام شدند، بر بستر همین بی خبری از زندان و زندانیان صورت گرفت.

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی در تابستان ۶۷، با سازماندهی دو ماه بی خبری مطلق از زندان های سراسر کشور، دو ماه قطع ملاقات برای خانواده ها، دو ماه قطع کامل مرخصی زندان بان ها، بازجویان، پاسدران و تمامی پرسنلی که به هر طریقی یک پایشان به زندان و بیرون از زندان وصل بود، امکان عملی کردن فاجعه کشتار خونین تابستان ۶۷ را پیدا کرد و پس از آن نیز جنایتکاران تا دو دهه در مورد قتل عام زندانیان سیاسی و جنایتی که انجام داده بودند، سکوت کردند.

اکنون اما نه سال ۶۰ است و نه دهه ۶۰، نه جمهوری اسلامی در موقعیت اقتدار آن دوران است و نه توده های مردم ایران در شرایط متوهم آن سال های سپری شده قرار دارند. دوران اقتدار و تک صدایی مطلق جمهوری اسلامی که دستگاه قضایی آن بتواند قتل عام دیگری را بر جامعه تحمیل کند، بکلی گذشته است. اما بیان این واقعیت، هرگز به این معنا نیست که جمهوری اسلامی از سرکوب و اعدام عقب نشینی می کند و در روند مبارزات انقلابی مردم ایران، دست بسته تسلیم اراده و انقلاب مردم می شود.

در فضای کنونی حاکم بر ایران و جهان و در عصر ارتباطات اینترنتی، هر کنشگر اجتماعی، هر فعال سیاسی، هر جوان مبارز، و هر زن و مردی که اکنون در کف خیابان ها به خیزش و قیام برخاسته است، خود یک خبرنگار- شهروند هستند که می توانند اخبار جامعه را در اقصا نقاط ایران و جهان بازتاب دهند. آنان، می توانند بر ضرورت طرح شعار نه به اعدام و زندانی سیاسی آزاد باید گردد، در ابعاد سراسری پای بشارند و آن را تا پستوی خانه ها تکثیر کنند.

طی دو ماه گذشته بیش از ۱۷ هزار نفر از جوانان، زنان، دانش آموزان، کارگران، مصلحان، دانشجویان، پزشکان، خبرنگاران، سینماگران، وکلا، ورزشکاران و لایه های دیگری از جامعه دستگیر شده اند. همه این افراد دستگیر شده، عضوی از خانواده ما هستند، عضوی از توده های قیام کننده و بپاخاسته مردم ایران هستند، برادر، خواهر، رفیق و یا فرزندان ما هستند، همه آنان کسانی هستند که برای رهایی همه آحاد جامعه خطر کرده اند، در خیابان ها حضور یافته اند، با شعار "زن، زندگی، آزادی"، بر رژیم ضد زن شوریده اند، با شعار "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر"، به پایان هرگونه ظلم و ستمگری در ایران سلام گفته اند، با شعار "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر خامنه ای"، سرنگونی جمهوری اسلامی را نوید داده و با بر افراشتن پرچم جان راه قیام و انقلاب را در پیش گرفته اند. اکنون که آنان گرفتار و در بند هستند، این وظیفه ما است که صدای آنان باشیم و با سردادن

در صفحه ۵

زنده باد سوسیالیسم

نه به اعدام با همه نیرو علیه اعدام و برای آزادی زندانیان بپا خیزیم

شعار "نه به اعدام" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، در کنار آنان و همراه و هم دوش آنان باشیم.

جامعه کنونی ایران، اکنون در اوج قیام و مبارزه است، توده های مردم ایران به طور گسترده در کف خیابان ها حضور دارند، جمهوری اسلامی در ضعیف ترین موقعیت سیاسی خود طی ۴۳ سال گذشته قرار دارد. بی تردید، صدور احکام اعدام در این برهه زمانی نه از سر قدرت، که از سر ناتوانی و استیصال رژیم است. توده های مردم ایران، در این روزهای سرنوشت ساز آنچنان در تکاپوی مبارزات خیابانی برای سرنگونی جمهوری اسلامی شتاب گرفته اند، که دیگر کمتر به زندان و زندانیان و دستگیرشدگان دو ماهه اخیر می اندیشند. این که توده های مردم ایران تا بدین حد به مبارزات و پیروزی بر جمهوری اسلامی باور پیدا کرده اند، بسیار شوق بر انگیز است. شاید اکنون همه بر این باوریم که چیزی به سرنگونی جمهوری اسلامی باقی نمانده است و لحظه شکستن درب زندان ها به زودی فرا خواهد رسید و در این صورت زندانیان نیز آزاد می شوند. اینکه تا بدین حد به قدرت خود ایمان آورده ایم، اینکه پس از ۴۳ سال، شکل گیری یک انقلاب بزرگ را باور کرده ایم، فی نفسه در جای خود در خور تحسین و ستایش اند.

اما فراموش نکنیم با یک رژیم آدمکش و تبهکار مواجه هستیم، اگر به هر دلیلی اوضاع کمی آرامتر شود - که امیدواریم هرگز این چنین نشود - آنوقت آیا به این فکر کرده ایم که دست رژیم برای صدور احکام اعدام بازتر می شود. فهم این موضوع به ما کمک می کند که اولاً بدانیم راهی برای عقب نشینی نداریم و باید با تمام توان در مسیر پیشروی این مبارزه تا سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی پیش رویم و در ثانی با تکثیر شعار نه به اعدام، اعدام ممنوع و نهادینه کردن شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادار کنیم. فراموش نکنیم، نه به اعدام زمانی اثر گذار خواهد بود، که طرح این شعار در ابعادی گسترده در گل مشت های هر پیر و جوانی شکفته شود. زمانی شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، به واقعیت ملموس جامعه تبدیل می شود، که این شعار همانند "زن، زندگی، آزادی" به پستوی هر خانه ای راه باید. زمانی رژیم آدمکش جمهوری اسلامی در مقابل شعار "نه به اعدام" حساس خواهد شد، که گستردگی این شعار نه فقط در میان دانشجویان و قشر آگاه جامعه که حتی کودکان ما نیز با همان صلابت و شور و شوقی که در این روزها شعار "مرگ بر دیکتاتور" را در خانه و کوچه و خیابان فریاد می زنند، شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را بانک بر کشند و این شعار را با گل مشت های کوچک شان تکثیر کنند.

اجتماع نیروهای کمونیست و چپ در استکهلم سوئد

روز شنبه ۲۸ آبان بنا به فراخوان شورای استکهلم و حمایت احزاب و سازمان های کمونیست از جمله فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) از این فراخوان، اجتماعی در میدان مرکزی شهر استکهلم برگزار شد.



اجتماع کنندگان که مجموعه ای از همه نیروهای احزاب و افراد مستقل کمونیست و چپ بودند، همگی با در دست داشتن پرچم های سرخ در این اجتماع حضور یافتند و با سر دادن شعارهایی نظیر مرگ بر دیکتاتور، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر، نان کار آزادی، اداره شورایی و نه شاه می خواهیم نه ملأ، قدرت به دست شورا، حمایت خود را از موج جدید جنبش انقلابی مردم ایران اعلام کردند.

در این اجتماع پر شور، نمایندگان احزاب و سازمان های کمونیست از جمله نماینده سازمان فدائیان (اقلیت) و همچنین نمایندگانی از احزاب چپ و کمونیست سوئد در حمایت از مبارزات مردم ایران و زندانیان سیاسی سخنرانی کردند.

این اجتماع شورانگیز که از ساعت ۳ بعدازظهر شروع شده بود، تا ساعت ۴/۵ ادامه یافت و پس از آن به صورت یک راه پیمایی با شکوه و برافراشتن پرچم های سرخ و صفی طولانی به سمت مجلس سوئد ادامه یافت.

در مسیر راهپیمایی که نیم ساعت طول کشید، راهپیمایان کمونیست و چپ با سر دادن شعارهایی به زبان فارسی و سوئدی از جمله "سفارت ایران مرکز تروریستان" خواهان بستن سفارت ایران در سوئد شدند. این اجتماع هم در میدان مرکزی شهر و هم در مسیر یک کیلومتر راهپیمایی با استقبال گرم شهروندان سوئدی قرار گرفت.

گزارش از فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - سوئد

گزارش کوتاهی از آکسیون اعتراضی نیروهای چپ و کمونیست در کپنهاک - دانمارک

در ادامه برگزاری آکسیون های اعتراضی در شنبه های سرخ کپنهاک، امروز شنبه ۱۹ نوامبر ۲۰۲۲ نیز آکسیونی در حمایت از مبارزات جاری مردم زحمتکش ایران در یکی از میدان های شهر کپنهاک Gammeltorv در دانمارک برگزار شد.



این مکان مرکز خرید شهر کپنهاک هست که در آن رفت و آمد زیادی وجود دارد. امروز نیز همانند روزهای پیش، این تجمع موردتوجه عابریین زیادی قرار گرفت که بدین وسیله حمایت خود از این حرکت و بخصوص مبارزات جاری در ایران را اعلام نمودند.

آکسیون با برپاداشتن پرچم های سرخ نوشته شده به زبان های انگلیسی، دانمارکی و فارسی برگزار شد. شعارنوشته هایی نیز تهیه شده بود که در مقابل تظاهرکنندگان بر روی زمین قرار داشت. پخش موزیک و سرودهای انقلابی و همچنین ارائه هدف ما از برگزاری سخنرانی که توسط یکی از رفقای چپ از اعضا گروه پناهندگی

دانمارکی Asylre ضبط شده بود، توجه بیشتری از عابریین را به خود جلب نمود. فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) دانمارک

گام‌های استوار ذوب‌آهن و تکثیر تک جوش‌های اعتصاب



مردم در ابعاد بسیار گسترده و حتی میلیونی پا به میدان مبارزه خیابانی گذاشته‌اند، تا حد اعتصاب غذا تنزل داده و از اعتراض در شکل اعتصاب و خواباندن چرخ‌های تولید امتناع می‌کنند، کارگران مبارز ذوب‌آهن اصفهان با یک اقدام شجاعانه کارگری، فارغ از این حسابگری‌ها، فراخوان اعتصاب دادند و بر طبق فراخوان خویش عمل کردند. بنابراین اعتصاب کارگران ذوب‌آهن اصفهان در شرایط فعلی یک اقدام برجسته کارگری بود که نه فقط روی تمام حسابگری‌ها و محافظه‌کاری‌ها خط قرمز کشید بلکه جسارت و نترسی و پیگیری مبارزه پرولتری را نیز به نمایش گذاشت.

اعتصاب کارگران ذوب‌آهن اصفهان از جهات دیگری نیز بسیار مهم است. شرکت ذوب‌آهن اصفهان شرکت بسیار بزرگی است با قدمتی ۵۵ ساله و حدود ۱۸ هزار پرسنل که بیش از ۱۴ هزار نفر آن را کارگران تشکیل می‌دهند. چندین شرکت دیگر نیز زیرپوشش شرکت ذوب‌آهن اصفهان هستند. شرکت ذوب‌آهن نیز بر روش همین کارگران در گردش است که نقش اصلی و تعیین‌کننده در تولید دارند. کارخانه ذوب‌آهن اصفهان بزرگترین تولیدکننده محصولات فولادی در خاورمیانه و در مالکیت سازمان تأمین اجتماعی است. این کارخانه سالانه ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تن محصولات فولادی برای استفاده در صنایع، ساختمان و راه‌آهن شامل انواع چدن، شمش فولاد، میلگرد و تیرآهن و ریل تولید می‌کند. درآمد سالانه آن حدود ۲۰۰۵ میلیارد و سود خالص آن بالغ بر ۱۵۱۰ میلیارد تومان است. بنابراین اعتصاب در چنین شرکتی آن‌هم درست در روزهایی که فراخوان اعتراضات توده‌ای و نبردهای خیابانی داده شده بود، نه فقط مشوق اعتراض و اعتصاب در سایر واحدها و نوعی همراهی با آنچه در خیابان جاری است به شمار می‌رود، بلکه در عین حال بخشی از درآمد دولت را نیز از دسترس آن خارج ساخته و به سهم خود بحران مالی رژیم را نیز تشدید می‌کند.

اجرای کامل و دقیق طرح طبقه بندی مشاغل و

در صفحه ۷

وزارت کار، به میان کارگران رفتند و وعده دادند طی روزهای آینده به خواست کارگران رسیدگی خواهد شد. کارگران ذوب آن هشدار دادند اگر به خواست‌ها رسیدگی و وعده‌ها عملی نشود، اعتصاب و تجمع را از سر خواهند گرفت. اعتصاب بزرگ کارگران ذوب‌آهن اصفهان اگرچه بعد از دو روز و البته به‌طور مشروط پایان یافت، اما در شرایط سیاسی و توازن قوای کنونی از برخی جهات حائز اهمیت جدی است.

نکته اول نفس اعتراض و روی‌آوری کارگران ذوب‌آهن به مبارزه در شکل اعتصاب و رامیمایی است. اعتصابات کارگری اعم از اعتصاب اقتصادی یا سیاسی در لحظه کنونی در تمام کارخانه‌ها و صنایع به‌ویژه صنایع و کارخانه‌های بزرگ و استراتژیک فوق‌العاده مهم و حیاتی هستند. در شرایط پرتلاطم جامعه‌ای که در یک‌دستی انقلاب قرار گرفته و این خود، زمینه‌های مناسبی برای ورود کارگران به مبارزه فراهم می‌کند، اعتصاب به‌طور کلی، اعتصابات کارگری به‌طور خاص به‌ویژه اعتصابات سراسری اقتصادی و سیاسی نه فقط می‌تواند روح جدیدی را در فضای انقلابی جامعه بدمد و جنبش انقلابی را چندین گام بلند جلو برد، بلکه ضربه کاری سنگینی بر قلب ارتجاع اسلامی حاکم و تمام نظم موجود وارد می‌سازد. در چنین شرایطی که جامعه در موقعیت انقلابی قرار دارد نه فقط هر اعتصاب اقتصادی در واحدهایی نظیر ذوب‌آهن اصفهان می‌تواند به سرعت به یک اعتصاب سیاسی بزرگ تبدیل شود، بلکه با همان سرعت و بیشتر از آن، می‌تواند به سایر واحدها و مراکز کارگری نیز سرایت کند و جنبش اعتصابی بزرگی را علیه رژیم و کل وضع موجود در پی داشته باشد. بیهوده نبود که مدیریت ذوب‌آهن از همان ساعات اولیه اعتصاب، تمام تلاش خود را به کار بست تا جلوی اعتصاب را بگیرد. مدیران شرکت با دادن وعده و با امتیازاتی به کارگران، از ادامه و تسری اعتصاب به سایر کارخانه‌ها و گسترش آن جلوگیری به عمل آوردند. باین‌همه، شعله آگاهی‌بخش و هشداردهنده دیگری که این بار در ذوب‌آهن اصفهان روشن شد، نور امید دیگری را در دل‌ها برافروخت و بی‌گمان تأثیرات مثبت و معینی نیز بر سایر کارگران و کل جنبش کارگری برجای گذاشت.

نکته بسیار مهم دیگر درهم شکستن فضای محافظه‌کاری و حسابگری‌های موجود در میان برخی از کارکنان یا حتی کارگران است. در شرایطی که ما شاهد بودیم کارکنان رسمی نفت مدام درگیر حسابگری بودند و برای پرهیز از اعتصاب و تجمع، دلیل‌تراشی می‌کردند یا به بهانه این‌که بر آن‌ها فلان "انگ" زده نشود، شکل مبارزه را آن‌هم در شرایطی که توده‌های

در صفوفی منظم و با گام‌های استوار درحالی‌که شعار می‌دادند "ذوب آهنی داد بزن- حق تو فریاد بزن" پس از رامیمایی، در مقابل ساختمان اداری و دفتر مدیرعامل شرکت دست به تجمع زدند و خواهان افزایش دستمزد و اجرای صحیح و کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل شدند. خروش یکپارچه کارگران ذوب‌آهن و شعار "وعده وعید کافیه، سفره هامون خالیه" در تمام فضای این شرکت طنین‌انداز شد و توجه همگان را برانگیخت.

قبل از آن نیز کارگران بخش کک سازی ذوب‌آهن با همین خواسته‌ها، در روزهای ۱۷ و ۱۸ آبان دست به اعتصاب و تجمع زده بودند اما مدیران شرکت نه فقط به خواست‌های کارگران توجهی نکردند بلکه خبر اعتصاب و تجمع کارگران را که تصاویر و فیلم آن در فضای مجازی پخش شده بود نیز کتمان و در گفتگو با خبرگزاری‌های دولتی از ریشه انکار کردند. سرپرست مدیریت روابط عمومی ذوب‌آهن اصفهان در کمال وقاحت به "ایرنا" گفت، هیچ‌گونه اعتصاب و تجمعی توسط کارگران این مجموعه صنعتی برپا نشده است. افزون بر این و علی‌رغم اینکه کارگران سخت‌کوش ذوب‌آهن با تلاش و جدیت خود، در شش‌ماه اول سال جاری رکورد جدیدی را در تولید و سودآوری کارخانه ایجاد کرده‌اند، اما مدیریت شرکت در این زمینه نیز به دروغ‌گویی متوسل شد و در اعتصاب ۱۷ و ۱۸ آبان خطاب به کارگران ادعا کرد "کارخانه اوضاع مالی خوبی ندارد". پاسخ این دروغ‌ها را صدها تن از کارگران از همه بخش‌های ذوب‌آهن به نمایندگی از ۱۴ هزار کارگر این شرکت با اعتصاب یکپارچه خود در ۲۴ و ۲۵ آبان دادند. مدیریت شرکت این بار با سراسیمگی و برای مقابله با اعتصاب و جلوگیری از آن، همان روز اول اعتصاب مبلغ یک‌میلیون تومان به حساب کارگران واریز کرد. کارگران ذوب‌آهن خواهان افزایش دستمزد و اجرای کامل و صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل هستند و در فراخوان خویش نیز اعلام کرده بودند در صورتی‌که جواب قانع‌کننده‌ای داده نشود روز ۲۵ آبان نیز به اعتصاب ادامه خواهند داد و چنین نیز کردند.

روز ۲۵ آبان نیز رامیمایی باشکوه کارگران در محوطه شرکت، آنگاه تجمع در مقابل دفتر مدیریت و سردادن شعارهای کوبنده‌ای چون "فکر نکنید یه روز، این وعده‌ی هرروزه"، "مشکل ما حل نشه، کارخونه تعطیل می شه"، عزم و اراده خود را برای ادامه مبارزه تا تحقق کامل مطالبات خویش نشان دادند.

به دنبال این اعتصاب بزرگ و تهدیدکننده که خطر سرایت آن به دیگر کارخانه‌های فولادسازی و صنایع دیگر در استان اصفهان وجود داشت، مدیران شرکت همراه نماینده‌ای از

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



آبان ادامه دارد: پیشروی شورانگیز خیزش انقلابی

گام‌های استوار نوب‌آهن و تکثیر تک جوش‌های اعتصاب

در روزهای بزرگداشت "خیزش آبان" مردم آزادی خواه با اعتراضات و اعتصابات فزاینده در سراسر جامعه نشان دادند، که عزم آنها برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی خلل ناپذیر است. بیشتر کلان‌شهرها، شهرهای بزرگ و کوچک و روستاها، بستر مبارزه شکوهمند، با رژیم شد. "خیابان" بستر مبارزه پرشور، دختران و پسران جوان و نوجوانی شده که از این رژیم بیزارند و می‌خواهند این رژیم از گور برآمده را به گورستان تاریخ سپارند. زنان در همه جا حضور فعالی دارند و قوانین و سنت‌های اسلامی را به ریشخند گرفته‌اند. دانش‌آموزان و دانشجویان، مدرسه و دانشگاه را به نماد شورانگیز مبارزه با حکومت جهل و جنایت بدل کرده‌اند. بيتدید آحاد کارگران نیز پیوسته در مبارزه خیابانی مشارکت داشته‌اند. کارگران نوب‌آهن، بخشی از کارگران پیمانی پتروشیمی و نفت در عسلویه، و ... باز هم اعتصاب کرده‌اند. کسبه و صاحبین مشاغل کوچک کم درآمد نیز به اعتصاب پیوسته‌اند. در برخی از شهرها بازاریان که از افشار محافظه‌کار هستند نیز اعتصاب کرده‌اند. در تعدادی از شهرها نیروهای سرکوب آماج واکنش جسورانه مبارزین قرار گرفته‌اند. طی سه روز در شهرهای کامیاران، سنندج، بوکان، ایذه، سمیرم و دیگر شهرهای ایران بیش از 30 نفر از مبارزین جنبش، جان‌باخته‌اند. بسیاری از کنشگران جنبش انقلابی نیز در شهرهای مختلف دستگیر شده و به انبوه زندانیان سیاسی افزوده شده است. باید تلاش‌ها برای آزادی زندانیان سیاسی را به اشکال مختلف افزایش دهیم. با همه تلاش‌های رژیم برای سرکوب جنبش، مردم مبارز و نسل جوان پرشور با جسارت بی‌مانندی، رژیم و دستگاه سرکوب‌اش را به وحشت انداخته‌اند.

در سه روز گرامیداشت جانب‌اختگان آبان 98، خیزش انقلابی نشان داد که "آبان ادامه دارد" و این جنبش با گسترش فزاینده مبارزات سراسری، گام بزرگ دیگری روبه جلو برداشته است. بی‌تردید این روزها در تاریخ مبارزاتی جامعه ما ثبت خواهد شد. پیش‌روی و تداوم جنبش اما در گرو اعتصاب عمومی و رشد اعتصابات کارگری در بخش‌های صنعتی، خدماتی و اداری است. هرچه که خیزش انقلابی پیش رود زمینه برای برآمد این اعتصابات و تحقق اهداف جنبش برای سرنگونی انقلابی رژیم نیز بیشتر مهیا می‌شود. در بستر چنین شرایط متحولی، اپوزیسیون راست تلاش می‌کند که از بالا و بواسطه قدرت‌های امپریالیستی و رسانه‌های که با پول دول ارتجاعی ایجاد شده‌اند، هژمونی خود را بر جنبش اعمال کنند.

هستگی کارگران و زحمتکشان، نیروهای چپ و کمونیست، نهادهای مترقی و پیشرو برای کنار زدن اپوزیسیون راست، و سمت و سو دادن به جنبش انقلابی ضرورتی انکار ناپذیر است. این نوع از همبستگی می‌تواند در بستر یک روند رشد یابنده، به گسترش و تحول قدرت خود سامان و شورایی کارگران و زحمتکشان کمک نموده و زمینه‌های پیش‌روی به سوی تحقق آزادی و برابری را فراهم نماید.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم
شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
26 آبان 1401 - 17.11.2022

افزایش دستمزد، از خواست‌های مهم کارگران نوب آن طی چند سال اخیر بوده است. دستمزدها در نوب‌آهن در مقایسه با دستمزد کارگران در شرکت‌ها و صنایع مشابه نیز کمتر است. کارگران نوب‌آهن اصفهان دستکم در یکی دو سال اخیر، بارها خواهان افزایش دستمزد و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل شده‌اند. مرداد سال گذشته (۱۴۰۰)، کارگران در نامه‌ای خواهان رسیدگی به خواست‌های خود شدند. آبان همان سال نیز ۱۰ هزار تن از کارگران نوب‌آهن اصفهان این خواست را تکرار کردند. اما هیچ‌کس به این خواست‌ها و نامه‌ها توجهی نکرد. در همین رابطه حتی گفتگوهایی نیز میان مدیریت و نمایندگان کارگران صورت گرفت، اما هیچ نتیجه مثبتی برای کارگران در پی نداشت. در اعتصاب و تجمع ۱۷ و ۱۸ آبان سال جاری نیز کارگران بخش کک سازی یکبار دیگر خواست‌های کارگران را مطرح کردند ولی مدیریت نوب‌آهن نه فقط خواست کارگران را نپذیرفت بلکه حتی اعتصاب و تجمع کارگران را نیز از ریشه انکار نمود. این بار کارگران تمام بخش‌های نوب‌آهن به‌طور یکپارچه دست به اعتصاب زدند. اعتصاب گسترده اخیر کارگران نوب‌آهن نشان داد که کارگران اشکال کم اثر و اولیه مبارزه مانند نامه‌نویسی و امضای طومار را کنار نهاده و به اشکال مؤثرتر مبارزه روی آورده‌اند. اگر طی یک سال اخیر مدیریت نوب‌آهن به کارگران و خواست‌هایشان وقعی نمی‌گذاشت و به آن اهمیت نمی‌داد، اعتصاب گسترده اخیر کارگران، مدیریت را از بی‌اعتنایی درآورد.

صرف‌نظر از نکات مهم فوق، نکته بسیار برجسته دیگری که باید به آن اشاره کرد، اتحاد و یکپارچگی کم‌نظیر کارگران و درجه بالای سازمان‌دهی اعتصاب است. اعتصاب دوازده کارگران نوب‌آهن اصفهان، در واقع ظرفیت و توان بالای هزاران کارگر این شرکت در مبارزه علیه مدیریت و حامیان آن را به‌خوبی نشان داد.

همزمان با اعتصاب بزرگ کارگران نوب‌آهن اصفهان و در یک هفته اخیر، کارگران در برخی کارخانه‌ها و شرکت‌های دیگر مانند مجتمع سیتی سنتر اصفهان، داماش، کارگران سایت ۳ شرکت کروز، کارگران داروگر تهران، کارگران ایران تابر، کارگران شرکت صنعتی تولیدی مرتب و کارگران شهرداری‌ها نیز اعتصابات را سازمان دادند.

تمامی شواهد حاکی از تکثیر بیش‌ازپیش تک جوش‌های اعتصاب است. ناراضی‌های درمیان بخش‌های مختلف کارگران به‌شدت فزونی گرفته است. ظلم و ستم و استثمار بی‌حد و حصر از یکسو، اقدامات پلیسی و سرکوبگرانه و فشار دستگاه اطلاعاتی در محیط کار و همچنین کشتار وحشیانه توده‌های مردم، جوانان، زنان و کودکان از سوی دیگر، نفرت کارگران از رژیم جمهوری اسلامی و تمام نظم موجود را صدچندان نموده و خشم بزرگی را در وجود

که حضور کارگران در رویدادهای جاری، با دست زدن به شیوه‌ها و اشکال خاص مبارزات طبقه کارگر پررنگ‌تر می‌شود. گرچه اعتصابات کارگری در لحظه فعلی با حضور پررنگ و گسترده ده‌ها و صدها هزار کارگر در اعتصابات سیاسی و اقتصادی، هنوز فاصله زیادی دارد، اما تک جوش‌های اعتصاب در نفت و نوب‌آهن و سایر مراکز کارگری در دو ماه اخیر، دل‌بلی بر همین جهت‌گیری است. کارگران قرار نیست ساکت بمانند و ساکت نبوده‌اند. کارگران نوب‌آهن در شعارهای خود به‌روشنی هشدار دادند و به مدیریت و حامیان آن خاطر نشان کردند گمان نبرند اعتصاب و تجمعشان فقط یک روز است و تأکید کردند "مشکل ما حل نشه، کارخونه تعطیل می‌شه"



کارگران مترام ساخته که آماده انفجار است. در بسیاری از مراکز تولیدی، شعارنویسی بر درودیوار محل کار به‌طور مخفیانه آغاز شده و حتی عکس خمینی و خامنه‌ای را پائین کشیده‌اند. سازمان‌دهی اعتصابات‌های کارگری در واحدهایی از نمونه نوب‌آهن اصفهان، صرف‌نظر از جایگاه و اهمیت این صنعت و کمیت نیروی کار در آن و تأثیر آن بر رویدادهای جاری جامعه، حاکی از حضور پررنگ کمیته اعتصاب و تشکل‌های محکم و بانفوذ کارگری در محل کار و تولید است. آنچه در شرایط کنونی بسیار مهم است این است که کارگران پیشرو نوب‌آهن اصفهان و واحدهای مشابه دیگری نظیر فولاد اهواز و معادن سنگ‌آهن، از پیوند و ترکیب کمیته‌های اعتصاب موجود، کمیته‌های هماهنگی اعتصاب را ایجاد کنند و اعتصابات سراسری اعم از اقتصادی یا سیاسی را سازمان دهند. شواهد موجود نشان‌دهنده این واقعیت است



از فراخوان شورای هماهنگی و اعتصاب سراسری معلمان حمایت کنیم

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، با انتشار فراخوانی در تاریخ ۲۷ آبان، همه معلمان شاغل، پیشکسوتان بازنشسته و دانش‌آموزان شجاع در مدارس دولتی و غیردولتی را به اعتصاب در روزهای ۲۹ و ۳۰ آبان فراخوانده است. شورای هماهنگی در این فراخوان ضمن اشاره به کشتار بی‌رحمانه توده‌های مردم و جنایات فجیع حاکمیت طی دو ماه اخیر، از جمله آدم‌ربایی‌ها، جنایات هولناک نیروهای سرکوب، بسیجیان و مزدوران اطلاعاتی موسوم به لباس شخصی، این اقدامات جنایت‌کارانه را قاطعانه محکوم نموده و خطاب به حاکمیت اعلام کرد: "این آغاز فصل جدیدی از اعتصابات سراسری معلمان خواهد بود."

سازمان فدائیان (اقلیت)، ضمن حمایت از فراخوان شورای هماهنگی و اعتصاب سراسری معلمان و دانش‌آموزان، همه اقشار و مبارزان از جمله دانشجویان، کانون نویسندگان ایران، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه، سندیکای کارگران هفت‌تپه، پرستاران، کارمندان دولت، رانندگان اتوبوس‌های شهری به‌ویژه کارگران را به حمایت از این فراخوان و پیوستن به اعتصاب سراسری دعوت می‌کند.

ارتجاع اسلامی به‌موازات نزدیک‌تر شدن پایان عمر ننگین خود، آشکارا بر میزان کشتار و سرکوب خونین مردمی که برای سرنگونی آن به پا خاسته‌اند افزوده است. رژیم جنایت‌کار جمهوری اسلامی طی دو ماه و چند روزی که از خیزش‌های شهری و نبردهای خیابانی گذشته است، صدها تن از جوانان و مردم مبارز را به گلوله بسته و نزدیک به ۵۰ نوجوان و کودک و دانش‌آموز را به قتل رسانده است. هزاران تن از جوانان، زنان، دانشجویان و توده‌های مردم مبارز را بازداشت و به زندان افکنده است. ده‌ها دختر جوان را ربوده و جنازه آن‌ها را تحویل خانواده‌ها داده است. در کردستان و بلوچستان اقدامات جنایت‌کارانه خود را به‌جدا اعلام کرده است. این اقدامات جنایت‌کارانه هر روز ادامه داشته و بر ابعاد آن نیز افزوده شده است. ارتجاع اسلامی در روزهای پایانی عمر خود ممکن است به هر جنایت فجیع دیگری نیز دست بزند.

برای پایان دادن به این همه قتل و کشتار و آدم‌کشی و ناامنی، هیچ راه دیگر وجود ندارد جز آنکه این رژیم دمنش و سرکوبگر را سرنگون کرد و تمام نظم پوسیده موجود را برای همیشه به خاک سپرد. توده‌های مردم زجرکشیده و ستم‌دیده بایستی در ابعاد گسترده‌تری پا به میدان مبارزه علنی و گسترده و رویارویی با ارتجاع حاکم بگذارند. با گسترش اعتصابات سراسری معلمان، دانشجویان، دانش‌آموزان، اساتید دانشگاه، پرستاران، کارمندان و سایر اقشار خصوصاً با اعتصابات سراسری کارگران باید ارتجاع حاکم را در منگنه گذاشت و ارگان‌های سرکوب آن را فلج کرد، آنگاه با قیام مسلحانه توده‌های تمام بساط نظم موجود را برچید.

سازمان فدائیان (اقلیت) تمام اقدامات جنایت‌کارانه رژیم آدم‌کش جمهوری اسلامی را قویاً محکوم می‌کند و از اعتصاب‌های سراسری کارگران، معلمان، دانش‌آموزان، دانشجویان و سایر اقشار زحمتکش حمایت می‌کند.

زنده‌باد اعتصابات سیاسی سراسری
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی
زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم
سازمان فدائیان (اقلیت)
۲۸ آبان ۱۴۰۱

کارنان آزادی - حکومت شورایی

پائیز سبز

دومین ماه پائیز در حالی روبه اتمام است که در دامان شب‌های خیابان از عشق مردم ستم‌دیده به رهایی از ستم و بندگی و دیکتاتوری، رنگ و روی پریده و زرد پائیزی سبز است. خون جوانان شجاع و مبارز، درختان تشنه آزادی را سیراب و سرخ گون کرده است. در سینه خیابان فریادهای "فقر، فساد، گرونی - می ریم تا سرنگونی"، امید به فردای رهایی‌بخش را نوید می‌دهد. حضور تنگاتنگ مردم در کنار هم با دست‌های به هم گره‌خورده، جان تازه‌ای به پائیز سرد بخشیده است. از چنین هم‌قدمی و هم‌دردی مردم راه‌گیزی برای حاکمان سرمایه باقی نمانده است. حسرت خاموشی و سکوت مردم بر دل حاکمان مانده است. مردمی که سال‌ها در حاکمیت دیکتاتوری جمهوری اسلامی تحت کشتار و سرکوب وحشیانه، زندان و شکنجه در خودگی و سکوت فرورفته بودند. حالا خشم و فریادشان از این‌همه سال ظلم و بیداد لحظه‌ای فروکش نمی‌کند. آغاز آگاهی و اتحاد مردم و پایان رژیم دیکتاتوری سرمایه‌داران فاسد است. اکنون همان زمان مقرر است. زمان ادامه آبان خونین سال ۹۸. زمان انقلاب. زمان برچیدن بساط ظلم حکومت فاسد سرمایه‌داری اسلامی. سالگرد قیام خونین آبان سال ۹۸ روزهایی که در تاریخ مبارزات مردم ایران با کشته شدن ۱۵۰۰ تن از کارگران و مردم زحمتکش در اعتراض به گرانی و تورم فراموش‌نشده است. گرمی داشت یاد کشته‌شدگان این سال با فراخوان به اعتراض سراسری سه‌روزه برای روزهای ۲۴، ۲۵، ۲۶ در آبان همراه بود. در حالی که بیش از دو ماه از اعتراضات شبانه‌روزی مردم ستم‌دیده سپری شده است. استقبال از فراخوان سه‌روزه، روند ادامه مبارزات را بسیار گسترده‌تر، با ویژگی همراهی اعتصابات بازاریان و کسبه مواجه کرده است. در پی این فراخوان، تجمعات اعتراضی و خیزش‌های توده‌ای در بسیاری از شهرهای کشور برپا شده است. حضور دانشجویان در دانشگاه‌ها و خودداری از رفتن به کلاس با تجمع و تحصن در محیط دانشگاه همراه بوده است. اعتراضات و اعتصابات دانشجویی، اعتصابات کسبه، اعتصابات کارگران، حضور گسترده‌تر و فعالانه‌تر جوانان و مردم مبارز در خیابان‌های شهرهای مختلف در سرتاسر کشور روزهای رهایی از ستم و استبداد را نوید می‌دهند. خیابان‌ها در شهرهای مختلف ملتهب از آتش خشم مردم زیر پای معترضین می‌گدازد. همبستگی بی‌نظیر مردم در اعتراضات بی‌وقفه، توانی برای مزدوران سرکوب‌گر باقی نگذاشته است. جیرمخواران بسیجی در دانشگاه‌ها مانند

ذرات معلق در گردباد اعتراضات دانشجویی پادروها مانده‌اند. دانشجویان با شجاعت و دلاوری تمام قوانین ارتجاعی دانشگاه‌ها را از حجاب اجباری گرفته تا سالن غذاخوری تفکیک‌شده جنسیتی شکسته‌اند. جوانان و مردم مبارز به خودباوری از قدرت خویش رسیده‌اند. با اتحاد و ایستادگی در برابر ستمگران، برای تغییرات بنیادین به پا خاسته‌اند.

در چنین شرایطی حضور گسترده‌تر مردم در خیابان‌ها بسیار ضروری و مهم است. هدف، سرنگونی کل نظام فاسد و سرمایه‌داری مرتجع و تمامی ارگان‌های سیاسی و نظامی رژیم جمهوری اسلامی است. در شعارها می‌توان ملاحظه کرد که مردم چه می‌گویند و چه می‌خواهند. "هدف کل نظامه"، "تا انقلاب نکرديم به خانه برنگرديم" می‌گویند ایستاده‌ایم تا پایان، قصد عقب‌نشینی ندارند. در چنین شرایطی فراخوان عمومی برای سالگرد آبان ۹۸، با تجمعات اعتراضی مردم مبارز، اعتصاب بازاریان و کسبه در شهرهای تهران، تبریز، کرمان، اصفهان، سنجند، بوکان، شیراز، ایذه، خمینی‌شهر، صومعه‌سرا و بسیاری شهرهای دیگر همراه بوده است. از صبح روز سه‌شنبه ۲۴ آبان در تهران کسبه با بستن مغازه‌ها و پیوستن به تجمعات اعتراضی مردم در نقاط مختلف شهر شعار مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای سر دادند. در نبردهای خیابانی مردم، سرکوبگران با یورش وحشیانه خود بسیاری را زخمی و مجروح کرده‌اند. روز چهارشنبه ۲۵ آبان اعتصابات کسبه ادامه یافت و مردم خستگی‌ناپذیر، هم‌چنان در تهران و شهرهای مختلف در خیابان‌ها حضور داشتند. در برخی شهرها مراسم‌های چهل‌مبارزین کشته‌شده با حضور بسیار گسترده مردم برگزار شد. عصر چهارشنبه در تهران مترو دروازه شمیران با شروع سردادن شعار توسط مردم معترض، نیروهای سرکوب‌گر جنایتکار قطار را متوقف کردند و به جمعیت داخل قطار شلیک کردند. مردم در قطار از این‌همه وحشیگری نیروهای مزدور وحشت کرده بودند. مأموران برای دستگیری جوانی وارد قطار شدند که با حمایت و شعارهای مردم روبه‌رو شدند. باین‌حال دیده‌شده است که حداقل دو جوان را دستگیر کرده‌اند. همین‌عده حاضر در مترو به محض خارج شدن از مترو و خلاصی از دست مأموران رژیم جنایتکار به تجمعات اعتراضی شبانه پیوستند. سومین روز فراخوان به مناسبت بزرگداشت کشته‌شدگان آبان ۹۸ در پنج‌شنبه

۲۶ آبان نیز با ادامه اعتصابات همراه بود. اعتراضات خیابانی مردم در هوای سرد و بارانی مخصوصاً در ساعات شب همچنان ادامه دارد. مردم شعاری دهند "هر یک نفر کشته شه، هزار نفر پشت شه". جلاد معروف رژیم جمهوری اسلامی رئیسی جنایتکار اقرار کرده است که (عده‌ای به وظایف خودشان به‌خوبی عمل نمی‌کنند چراکه از فضای مجازی ترسیده‌اند). این اعتراف به دنبال پیگیری مردم خشمگین و انتقام از سرکوبگران صورت گرفته است. ابله نمی‌تواند بفهمد که این مردم گرسنه و ستم‌دیده هستند که دیگر از نیروهای مزدور آدمکش نمی‌ترسند. اما با همه کوچکی مغزش یک‌چیز را به‌خوبی دانسته است که روز دادرسی و محاکمه جانیان جمهوری اسلامی نزدیک است. در چهره کربه‌ش، ترس نمایان بود. به‌وضوح معلوم بود که خود را باخته و جرئتی برایش نمانده است. به خیابان و مردم مبارز از جان‌گذشته بی‌بوندیم. گذشته سیاه رژیم دزد و فاسد جمهوری اسلامی جنایتکار، قتل‌عام ۹۸، کشتار هرروزه جوانان و کودکان در شهرها و استان‌های مختلف کشور، کشته شدن دو کودک در دو روز اخیر در خیابان، بدنامی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را که کوس رسوایی آن از مدت‌ها قبل در سطح جهان به صدا درآمده، تشدید نموده است. دریای خشم مردم عمیق تراز ی‌کروند زودگذر اعتراضی است. هرروز خروش مردم خشمگین و معترض بلندتر می‌شود. قدم‌هایشان را مطمئن‌تر و محکم‌تر برمی‌دارند. پائیز امسال با حضور مردم متحد انقلابی در خیابان‌ها سبز است و سربلند.

زنده‌باد اتحاد کارگران و زحمت‌کشان
زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی -
برقرار باد حکومت شورایی
کارنان آزادی حکومت شورایی
فعال سازمان فدائیان (اقلیت) -
داخل کشور
۲۶ آبان ۱۴۰۱



امپریالیسم غرب و جمهوری اسلامی

و بحران در روابط خارجی جمهوری اسلامی هستند.

برای بررسی علل تشدید بحران و نیز چشم‌انداز آن، لازم است ابتدا نگاهی دقیق‌تر به موارد اشاره شده در بالا داشته باشیم. یکی از این موارد که انعکاس وسیعی داشت، ملاقات مکرون با چهار زن مخالف جمهوری اسلامی در کاخ الیزه بود، از جمله رویا پیرایی دختر ۲۲ ساله‌ی مادر قهرمان ساکن کرمانشاه مینو مجیدی که در ۲۹ شهریور توسط اوباشان جمهوری اسلامی با گلوله کشته شد. لادن برومند فرزند عبدالرحمان برومند (که توسط اوباشان جمهوری اسلامی در پاریس ترور شد)، از بنیانگذاران "بنیاد عبدالرحمان برومند" و یکی از حاضران در این دیدار، در رابطه با مفهوم آن در تغییر سیاست دولت فرانسه نسبت به جمهوری اسلامی در توییتری نوشت: "زمانی وزیر خارجه فرانسه حاضر نشد در یک برنامه تلویزیونی در کنار دکتر بختیار حضور یابد مبادا قاتلانی چون ولایتی و رفسنجانی برنجند. امروز رئیس جمهور فرانسه دختر بهترین دوست و پیرو بختیار را پذیرفت". مکرون همان روز در سخنرانی خود در "نشست صلح پاریس" با بیان دیدار خود با چهار زن ایرانی مخالف جمهوری اسلامی، مبارزات زنان و جوانان ایرانی را تحسین و از آن به عنوان "انقلاب" نام برد.

ترودو نخست‌وزیر کانادا نیز در جریان حضور خود در یکی از تجمعات اعتراضی در شهر تورنتو از سرنگونی جمهوری اسلامی استقبال کرد و از احتمال آن سخن گفت. وی پیش از این نیز بارها جمهوری اسلامی را حکومتی جنایتکار و تشنه خون نامیده و تحریم‌های گوناگونی نیز علیه جمهوری اسلامی و مقامات حکومتی در پی موج جدید اعتراضات توده‌ای به تصویب رسانده است.

جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا نیز در یکی از کارزارهای انتخاباتی در کالیفرنیا گفت "ایران به زودی آزادی می‌شود". کامالا هریس معاون وی و جیک سالیوان مشاور امنیت ملی آمریکا در دیدارهای جداگانه‌ای با نازنین بنیادی هنرپیشه ایرانی - آمریکایی

از حمایت خود از اعتراضات مردم ایران سخن گفتند. جیک سالیوان در توییتری نوشت: "با نازنین بنیادی برای گفتگو در مورد اعتراضات کنونی در ایران ملاقات کردم. من دوباره تأکید کردم که ما در کنار زنان شجاع و تمام شهروندان ایران که در حال حاضر برای تأمین حقوق اساسی خود در برابر خشونت و سرکوب مقاومت می‌کنند، می‌ایستیم".

همچنین به درخواست نمایندگان دولت‌های آمریکا و آلبانی نشست غیررسمی شورای امنیت برای بررسی سرکوب اعتراضات مردم توسط جمهوری اسلامی برگزار شد که در این جلسه به‌غیر از نمایندگان دولت‌های آمریکا و آلبانی، جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در مورد ایران، نازنین بنیادی و شیرین عبادی حضور داشته و سخنرانی کردند. لیندا توماس گرینفیلد نماینده آمریکا در این نشست گفت: "تغییر در ایران باید از داخل ایران انجام شود، اما دنیا وظیفه دارد همراه ایرانیان باشد تا شعار زن، زندگی، آزادی محقق شود".

صدراعظم و وزیر خارجه آلمان نیز در این مدت بارها جمهوری اسلامی را محکوم و از مبارزات مردم ایران حمایت کردند. آنالنا بائربوک وزیر خارجه آلمان با اشاره به تلاش‌های دولت آلمان برای تصویب تحریم‌های بیشتر علیه مقامات جمهوری اسلامی خطاب به مردم ایران در توییتر نوشت: "شما تنها نیستید". صدراعظم آلمان نیز خطاب به مقامات حکومت اسلامی گفت: "شما چه رژیمی هستید که به مردم خود شلیک می‌کنید؟". قرار است به پیشنهاد دولت‌های آلمان و ایسلند روز دوشنبه نشست ویژه "شورای حقوق بشر سازمان ملل" برای بررسی اعتراضات مردم ایران برگزار شود.

کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد (کمیته مسائل اجتماعی، انسانی و فرهنگی) نیز چهارشنبه ۱۶ نوامبر با ۸۰ رأی موافق در برابر ۲۸ رأی مخالف، قطعنامه‌ای در ارتباط با نقض گسترده حقوق "شهروندان" در ایران توسط جمهوری اسلامی تصویب کرد. این قطعنامه بویژه بر میزان بالای

اجرای حکم اعدام و سرکوب خشونت‌بار معترضان تأکید کرده است. قطعنامه فوق به‌روال سال‌های گذشته توسط دولت کانادا ارائه شده بود و جمهوری اسلامی برای جلوگیری از تصویب آن کاظم غریب‌آبادی معاون بین‌الملل دستگاه قضایی و دبیر "ستاد حقوق بشر" جمهوری اسلامی را همراه با زهره الهیان رئیس "کمیته حقوق بشر کمیسون امنیت ملی و سیاست خارجی" مجلس اسلامی به نیویورک فرستاده بود.

"کنفرانس امنیتی هالیفاکس" نیز روز شنبه ۱۹ نوامبر نشستی با محوریت اعتراضات ایران برگزار کرد که در این جلسه از حامد اسماعیلیون، نازنین بنیادی و مسیح علی‌نژاد به‌عنوان ۳ تن از مخالفان جمهوری اسلامی برای سخنرانی و گفت‌وگو دعوت شده بود. جلسه‌ای که در واقع نقد سیاست‌های تا به حال دولت‌های آمریکا و اروپای غربی در قبال جمهوری اسلامی و تأکید بر ضرورت حمایت این دولت‌ها از "اپوزیسیون" بود.

یکی دیگر از آخرین تحولات در این زمینه، تصویب قطعنامه پیشنهادی آمریکا و تروئیکای اروپایی در اجلاس جاری شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در روز ۵ شنبه هفته گذشته است که موجب عصبانیت مقامات جمهوری اسلامی شد. مقامات حکومت اسلامی بیشتر تهدید کرده بودند که در صورت تصویب قطعنامه، مذاکرات برنامه‌ریزی شده با آژانس بر سر موضوعات "پادمانی" را لغو خواهند کرد. در این قطعنامه ضمن اعلام نگرانی از عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس برای مشخص شدن منشاء آثار اورانیوم کشف شده در سه مکان اعلام شده از سوی آژانس، از جمهوری اسلامی خواسته شد تا به فوریت با آژانس برای روشن شدن این موارد همکاری کند.

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه در این رابطه گفت: "تردید نیست که آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان به عنوان بانیان اصلی این قطعنامه ضد ایرانی یا سوء استفاده از شرایط اخیر، صرفاً با انگیزه و هدف اعمال فشار سیاسی بر ایران، پیشنهاد تصویب این قطعنامه را به شورای حکام داده‌اند". در ۱۱ آبان جمهوری اسلامی هیاتی را برای مذاکره با مقامات آژانس در رابطه با این موضوع به وین فرستاده بود که رافائل گروسی در پایان مذاکرات با هیات

در صفحه ۱۱



کار، نان، آزادی، حکومت شورائی

امپریالیسم غرب و جمهوری اسلامی

به اصطلاح پروژه‌های تحقیقاتی سفارش شده از سوی وزارت خارجه آلمان، "اندیشکده کارپو" ۹۰۰ هزار یورو از این وزارتخانه دریافت کرده بود. تمام به اصطلاح تحقیقات این "اندیشکده" نیز به این نتیجه ختم می‌شد که باید جمهوری اسلامی حفظ شود و اگر نه انقلاب در ایران حتمی خواهد بود و این انقلاب می‌تواند به دیگر کشورهای منطقه سرایت کرده و منافع دولت آلمان را به خطر بیندازد.

اما امروز با موج عظیم و غیرقابل کنترل اعتراضات توده‌ای، این دولت‌ها در مورد بقای جمهوری اسلامی دچار تردید شده‌اند. از همین رو از سویی با بهره‌گیری از شرایطی که از نظر آن‌ها جمهوری اسلامی تضعیف شده است، برای وادار کردن جمهوری اسلامی به تن دادن به خواست‌های‌شان، فشار را بر جمهوری اسلامی افزایش داده‌اند. از سوی دیگر آن‌ها در این اندیشه هستند که در صورت سقوط جمهوری اسلامی آلترناتیو مورد نظر آن‌ها به قدرت برسد. به همین دلیل در تلاشند تا از هم اکنون این آلترناتیو را با بهره‌گیری از تمامی امکانات خود از جمله رسانه‌ای، با چهره‌سازی پرورش داده و در آستین داشته باشند. همان‌طور که در مورد حکومت پهلوی نیز چنین کردند و با تقویت خمینی، در تحمیل او به مردم ایران مشارکت داشتند. اما شرایط کنونی با سال ۵۷ بسیار متفاوت است. سطح آگاهی توده‌های کارگر و زحمتکش، جوانان و زنان با آن دوران اساساً قابل مقایسه نیست. شرایط جهانی و امکانات و ابزارهای نوین هم شرایط کاملاً متفاوتی با آن دوران بوجود آورده‌اند. بنابراین آن‌ها دیگر به سادگی نخواهند توانست خواست و اراده خود را به توده‌های تحت ستم و بی‌باخته‌ی ایران که از جمله شعارهای‌شان "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر"، "کار، نان، آزادی" و "زن، زندگی، آزادی" است، تحمیل کنند.

ولیعهد عربستان سعودی به صراحت جمهوری اسلامی را عامل بی‌ثباتی در منطقه اعلام کرد. وزیر خارجه انگلیس نیز روز شنبه در گفتگوهای سالانه "کنفرانس منامه" با اشاره به برخی از اقدامات جمهوری اسلامی در خلیج فارس و کشتار مردم در جریان اعتراضات خیابانی، جمهوری اسلامی را به همراه روسیه دو کشور مروج کشتار و خونریزی نامید. در واقع در شرایط مشخص کنونی حمله به کشتی میلیاردر اسرائیلی نه تنها سودی برای جمهوری اسلامی نداشت بلکه حملات لفظی و فشار به جمهوری اسلامی را افزایش داد. تهدیدات مقامات سپاه نیز در شرایط کنونی در عمل نتیجه‌ای جز در کنار هم قرار گرفتن بیشتر دولت‌های عربی منطقه، اسرائیل و کشورهای اروپایی و آمریکا در برابر جمهوری اسلامی و فشار به آن ندارد. واقعیت این است که سیاست دولت‌های آمریکا، انگلیس و اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی تغییر کرده است. اما این تغییر به چه مفهوم است؟! این دولت‌ها همان‌طور که ما بارها در تحلیل‌هایمان به آن پرداخته بودیم، هرگز خواهان برافتادن جمهوری اسلامی نبودند و خواست‌شان محدود بود به تغییر برخی از رفتارهای جمهوری اسلامی آن‌هم تنها در عرصه سیاست خارجی. افشاگری اخیر روزنامه بیلد در مورد نقش عدنان طباطبایی پسر دایی حسن خمینی نمونه‌ای آشکار از سیاست این دولت‌ها در قبال جمهوری اسلامی است. این افشاگری به نقش عدنان طباطبایی و موسسه تحت مدیریت وی به نام "اندیشکده کارپو" به‌عنوان مشاور این وزرات خانه در تعیین سیاست دولت آلمان در مورد جمهوری اسلامی پرداخته است. تنها بابت یکی از

ایرانی گفته بود هیات ایرانی هیچ چیز جدیدی ارائه نکردند. بی‌تفاوتی دولت‌های آمریکا، آلمان، فرانسه و انگلیس برای ادامه مذاکرات برجام یکی دیگر از معضلات جمهوری اسلامی است. در روزهای گذشته رابرت مالی گفته بود به دلیل سرکوب اعتراضات مردم و حمایت نظامی جمهوری اسلامی از روسیه در جنگ با اوکراین، مذاکرات احیای برجام دیگر در دستور کار واشنگتن قرار ندارد و تمرکزی هم روی آن نیست. جمهوری اسلامی اما توسط عبداللہیان وزیر خارجه مدعی شد که برخلاف گفته‌های رابرت مالی، دولت آمریکا در روزهای اخیر پیام‌های متعددی ارسال کرده و در این پیام‌ها گفته‌اند که برای برجام شتاب دارند، سخنانی که به سرعت از سوی مقامات دولت آمریکا تکذیب شد. دولت آلمان نیز در روزهای گذشته مذاکرات محرمانه برای خرید نفت و گاز از جمهوری اسلامی را تکذیب کرد.

مقامات جمهوری اسلامی از ابراهیم رئیسی تا وزیر خارجه و سخنگوی آن، بارها نسبت به سیاست‌های جدید دولت‌های امپریالیستی غربی واکنش نشان داده و دست از تهدیدات خود برنداشتند. عبداللہیان در توییت و در پاسخ به وزیر خارجه آلمان نوشت که این اظهارات باعث خراب شدن روابط دیرینه دولت‌های ایران و آلمان شده و بازسازی آن را غیرممکن می‌سازد. ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه سخنان مکرون در حمایت از "انقلاب" مردم ایران را شرم آور خواند و سخنان صدراعظم آلمان را نیز تحریک‌آمیز، مداخله‌جویانه و غیردیپلماتیک نامید.

جدا از تهدیدات مکرر کشورهای عربی منطقه، جمهوری اسلامی در یک اقدام عملی با پهباد به یک کشتی متعلق به یک میلیاردر اسرائیلی که با پرچم لیبیا در دریای عمان در حال حرکت بود، حمله کرد. اگرچه این اقدام آسیب جدی به کشتی نزد و هیچ‌کدام از خدمه نیز آسیبی ندیدند، اما واکنش دولت‌های اروپایی و آمریکا شدیدتر از گذشته بود. در ۳۰ ژوئیه سال گذشته، حمله پهبادی جمهوری اسلامی به یک کشتی متعلق به همین میلیاردر اسرائیلی در سواحل کشور عمان در دریای عرب با وجود این‌که منجر به کشته شدن ۲ نفر از خدمه کشتی از جمله یک انگلیسی شده بود، واکنش تند کنونی را از سوی کشورهای اروپایی و آمریکا به همراه نیاورد. این آن زمانی بود که این کشورها به دنبال احیای برجام بودند. اما این‌بار نخست‌وزیر انگلیس در دیدار با



امپریالیسم غرب و جمهوری اسلامی

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 997 November 2022

بررسی نقض حقوق بشر در ایران با پیشنهاد دولت‌های آلمان و ایسلند و حمایت دولت آمریکا، اختصاص نشستی با محوریت اعتراضات ایران در کنفرانس امنیتی هالیفاکس با دعوت سه تن از اپوزیسیون‌های بورژوازی جمهوری اسلامی، تحریم‌های جدید دولت‌های آمریکا، کانادا، انگلیس، اتحادیه اروپا علیه برخی از نهادها و مقامات حکومتی، رها کردن میز مذاکرات احیای برجام از سوی دولت‌های غربی، حمله پهبادی جمهوری اسلامی به یک کشتی حامل گازوئیل در دریای عمان و بالاخره تهدیدات مداوم دولت‌های منطقه توسط فرماندهان سپاه از جمله نمونه‌های مشخصی هستند که بیانگر تشدید تنش

در صفحه ۱۰

با تشدید بحران سیاسی و ادامه مبارزات قهرمانانه و کمانند توده‌های ستمکشیده ایران، تنش در روابط سیاسی جمهوری اسلامی با دولت‌های امپریالیست غربی و نیز برخی سازمان‌های بین‌المللی افزایش یافته است. سخنان صدراعظم و وزیر خارجه دولت آلمان، دیدار رئیس‌جمهوری فرانسه با چهار زن مخالف جمهوری اسلامی و حمایت از "انقلاب" مردم ایران، تصویب قطعنامه کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران، تصویب قطعنامه دولت‌های آمریکا و سه کشور اروپایی حاضر در برجام توسط شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اجلاس هفته آینده شورای حقوق بشر برای



tvshorashora@gmail.com

تلویزیون دموکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم بیکار می کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند. مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: tvshorashora@gmail.com

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی